

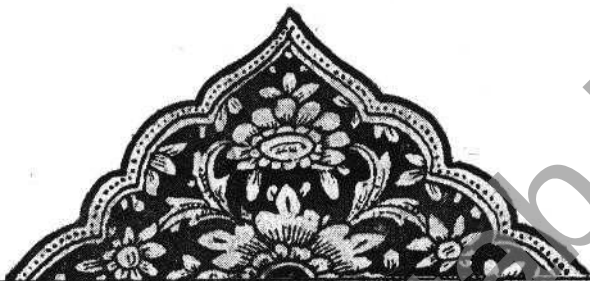


سودابه مهیجی

نشر جمهوری
سال ۱۳۹۴



سودابه مهیجی



سرشناسه: مهیجی، سودابه/عنوان و بدیدآور: گریه بایرهای موافق - سودابه
مهیجی / مشخصات نشر: تهران - نشر جمهوری ۱۳۹۴ / مشخصات ظاهری: ۹۶ ص /
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۶۳۰-۱۷-۴ / وضعیت فهرست نویسی: فیفا / موضوع:
شعر فارسی - مذهبی قرن ۱۴ / یادداشت: این مدرک در آدرس <http://opac.nlai.ir>
شماره کتابخانه ملی: ۳۵۷۶۲۲۰



سند

ناشر: جمهوری، نوبت چاپ: اول ۱۳۹۴، قیمت: ۷۰۰۰ تومان
شمارگان: ۱۱۰۰ نسخه، شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۶۳۰-۱۷-۴
چاپ، صحافی: منصوری

دفتر مرکزی: خیابان انقلاب، خیابان فخر رازی، خیابان شهدای ژاندارمری غربی

شماره ۸۸، تلفن: ۶۶۴۸۵۱۱۲

فروشگاه ۱: خیابان جمهوری، مقابل خیابان صف، شماره ۲۳۰

تلفن: ۳۳۹۳۰۳۹۰

فروشگاه ۲: خیابان شریعتی، نرسیده به خیابان دولت، شماره ۱۴۸۵

تلفن: ۲۲۶۰۲۵۵۵

فهرست

- درین آلاله زار داغ ها و زخمها کاری، ۹/
رسید بخت در و ناگه از نفس افتاد/ ۱۱/
: الم شرح لک صدر ک؟... ۱۳/
دریای صبر تشنگان تبخیر شد دیگر/ ۱۵/
گرگ ها پیراهنش را هم به یغما برده اند/ ۱۷/
شب نزار، شب رنگ رخ پریده ی ماه/ ۱۹/
حالا میان فوج درختان دردناک/ ۲۱/
اسم مرا اگر بگنداری به نام تو/ ۲۳/
پس از کدام باد نشانی بگیر مت/ ۲۵/۹/
تأفسگیرم نکرده گریه های این غروب/ ۲۷/
آینه ای که آه خدا را گریسته/ ۲۹/
اخم دعاها ی مرا سجده ی طولانی من/ ۳۱/۱/
ای فصل پنجمین که کماکان نمی رسی/ ۳۳/
خانه به یمن خنده ی اودر سرور بود/ ۳۵/
مهمان وحی، پشت در خانه وقتی در انتظار
محمد بود/ ۳۸/
ستاره های نگاه خود را روانه ی آسمان کن
ای عشق/ ۴۱/
روضة هامان در گلوی خسته ی نیزارها/ ۴۳/
خوب دقت کن تماشا کن، این غروب
ارغوانی را/ ۴۵/
در ازدحام حادثه و داغ و اضطراب/ ۴۷/
"امین" و "امن" و "مومن" آنقدر دنیا
خطابت کرد/ ۵۰/
چقدر پنجره دارد هوای خانه ی تو/ ۵۲/
هی بسته می شود چمدان های هر شبش/ ۵۴/
سجده کردم که گریه هایت را شاید از
سجده های موزم/ ۵۶/
پیراهن خونین تو را پاره به پاره/ ۵۷/
سمت هجوم جلوه ی آن ماه بر فراز/ ۵۹/
اینک از دورترین فاصله ی کنعانی/ ۶۱/
آنقدر تشنه ماند که باران هلاک شد/ ۶۳/
بالا بلند بود و همیشه بهار بود/ ۶۵/
خالی تر از قطار بدون ریل، تنها تر از تمام
مسافرها/ ۶۸/
امشب شب نباید آندوه توست که.../ ۶۹/
پیراهن جراحت این قصه دیگر برای وصله
شدن دیر است/ ۷۱/

آه ای صدای پرده نشین پشت هر

سکوت/ ۷۳

سراز قیام در آوردی و قعود شدی/ ۷۵

بهار، کاش میان خزان قدم نزنند/ ۷۷

مادر بنفشه بود و پسر لاله زار شد/ ۷۹

پیراهنی که سخت سیاه است و گریه دار/ ۸۱

تمام دنیا مال تمام آهوها/ ۸۴

همینجایی گمان مثل همین یک مشت

فواره/ ۸۶

نگاه آینه افتاده در نگاه چراغ/ ۸۸

حالا میان بزم چنین نامراد اشک/ ۹۰

خم شد... هلال شد... که چنین خوش فواره

شد/ ۹۲

واشکهای زلالت که رهسپار شدند/ ۹۴

www.ketab.ir